

نقش‌های کاربردشناختی صلوات در گفتار فارسی‌زبانان ایرانی و عرب‌زبانان عراقی

سیدعلی اصغر سلطانی*

مهدی مقدسی نیا**، حسین تک‌تبار فیروزجایی***

چکیده

صلوات بر محمد (ص) و آل محمد (س) عبارتی است که مسلمانان روزانه بارها آن را بیان می‌کنند یا از دیگران می‌شنوند. در نگاه اول، صلوات به قصد قربت انجام می‌شود، اما با دقت بیشتر می‌توان دریافت که نقش کاربردی مهمی در ارتباطات اجتماعی روزمره ایفا می‌کند. مسئله اصلی این پژوهش آن است که دریاصلوات در تعاملات اجتماعی میان مسلمانان، در حوزه شفاهی، میان شیعیان ایرانی فارسی‌زبان و شیعیان عراقی عرب‌زبان چه نقش ارتباطی ای بازی می‌کند و آیا تفاوتی در نوع کاربرد صلوات در میان این دو گروه اجتماعی وجود دارد یا خیر؟ چهارچوب نظری کلی این پژوهش کاربردشناسی زبان و به‌طور خاص نظریه کنش‌های گفتاری جان سرل است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که صلوات علاوه بر بعد بیانی ابعاد منظوری نیز دارد و به‌عنوان کنش گفتار ترغیبی، عاطفی، تعهدی، و اعلامی در شرایط کاربردی و اجتماعی مختلف به کار می‌رود. هم‌چنین، نتایج نشان می‌دهد کاربرد صلوات در کنش گفتارهای ترغیبی با هدف غیرمستقیم‌گویی به کار رفته است؛ در کنش‌های عاطفی افراد برای تشدید بیان احساس در وجود خویش از صلوات بهره می‌گیرند؛ در کنش‌های تعهدی نیز هدف از به‌کارگیری صلوات تقدس بخشیدن به تعهد است؛ و در کنش‌های اعلامی هم‌سو کردن دیدگاه‌ها و اعلام مواضع از یک سو و جلب توجه افراد به یک موقعیت، از طریق بالا بردن صدا، می‌تواند عامل تأثیرگذار در استفاده از صلوات باشد.

* هیات علمی وابسته پژوهشکده مطالعات قرآنی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، (نویسنده مسئول)
aasultani@yahoo.com

** استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه قم
mammahdi@yahoo.com

*** استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه قم
h.taktabar@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱/۲۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۲/۱۱

کلیدواژه‌ها: صلوات، کنش گفتار، عبارات دینی - حوزه شفاهی.

۱. مقدمه

تعاملات زبانی در هر جامعه‌ای متأثر از فرهنگ، دین، و دیگر مؤلفه‌های اجتماعی است. درحقیقت مطالعه این تعاملات بدون در نظر گرفتن مؤلفه‌های یادشده باعث نقصان می‌شود. در جوامع مسلمان، اعم از فارسی‌زبان و عرب‌زبان، افراد از عبارات دینی گوناگون استفاده می‌کنند که بازتاب تأثیر دین در جامعه است. نکته مهمی که در این‌جا باید مدنظر داشت این است که استفاده از این عبارات به افرادی که گرایش‌های قوی مذهبی دارند محدود نمی‌شود؛ بلکه این عبارات از سوی تمامی افراد با هر میزان گرایش به دین به کار می‌رود؛ زیرا این عبارات بعدی کاربردشناختی به خود گرفته‌اند و دیگر استفاده از آن‌ها به بافت دینی منحصر نمی‌شود. بی‌اطلاعی از بعد کاربردشناختی این عبارات و چرایی به‌کارگیری آن می‌تواند ارتباط زبانی میان افراد را با مشکل مواجه کند.

برای نمونه، وقتی یک فرد مسلمان ایرانی با موقعیتی روبه‌رو می‌شود که می‌خواهد عصبانیت خود را از مخاطب خویش نشان دهد، از عبارت «لا اله الا الله» استفاده می‌کند. همین فرد وقتی با مخاطبی مواجه می‌شود که در حال غیبت است برای این‌که او را از این کار بازدارد یا مخالفت خود را با اظهارات او نشان دهد عبارت «استغفرالله» را به کار می‌برد تا به او بفهماند که این کار اشتباه است و به سبب انجام آن باید استغفار کرد. همین فرد وقتی تصویری از یک طبیعت بکر یا یک موجود خارق‌العاده می‌بیند بی‌اختیار می‌گوید «سبحان الله».

یکی از عبارات دینی که مسلمانان از آن به‌وفور استفاده می‌کنند صلوات است. کارکرد اولیه صلوات ابراز احترام به پیامبر و خاندان او به قصد قربت جستن از آن‌هاست. در قرآن خداوند متعال در آیه «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا» (احزاب: ۵۶) به مسلمانان فرمان داده است تا به پیامبرش درود فرستند.

آنچه در تعاملات زبانی روزمره مسلمانان، اعم از فارسی‌زبان و عرب‌زبان، دیده می‌شود آن است که کنش گفتار بیانی ذکر صلوات با کنش گفتار منظوری آن متفاوت است. گاهی اوقات شاید فردی از مخاطب یا مخاطبان خویش بخواهد تا صلوات بفرستند؛ اما چیزی فراتر از آن‌چه می‌گوید مدنظرش باشد. با توجه به همین موضوع دغدغه اصلی این پژوهش پاسخ به این پرسش‌هاست که در چه موقعیت‌هایی از صلوات استفاده می‌شود، چه منظوری در کاربرد صلوات وجود دارد، و چرا از صلوات به‌عنوان

کنش گفتار منظوری استفاده می‌شود؟

همان‌طور که از پرسش‌های فوق برمی‌آید، این پژوهش به‌طور کلی در چهارچوب کاربردشناسی زبان، که گاه از آن به منظورشناسی هم یاد می‌شود، قرار دارد. یول می‌گوید: «کاربردشناسی بیش‌تر با تحلیل منظور افراد از پاره‌گفت‌هایشان سر و کار دارد تا با معنی خود کلمات یا عباراتی که به کار می‌برند. کاربردشناسی بررسی منظور گوینده است» (۱۳۹۱: ۱۱). اما در چهارچوب کلی کاربردشناسی زبان، نظریه کنش‌های گفتاری که ابتداءً از سوی جان آستین (Austin, ۱۹۶۲) مطرح شد و سپس جان سرل (Searle, ۱۹۶۹) آن را بسط داد به‌طور خاص می‌تواند در تبیین کاربردها و منظورهای مختلف، که در پس جملات و پاره‌گفت‌ها استفاده شده است، در محاورات روزمره به کار آید. داده‌های پژوهش نیز عمدتاً به‌صورت مشاهده مشارکتی از سوی پژوهش‌گران در شرایط مختلف زندگی روزمره جمع‌آوری شده است.

در ادامه، پیشینه پژوهش‌هایی که روی موارد مشابه انجام شده است مرور خواهد شد. سپس آن بخش‌هایی از نظریه کنش‌های گفتار که در این پژوهش به‌کاررفته با مثال تشریح شده است. در بخش بعد نمونه‌های مختلف کاربرد صلوات در محاورات روزمره مسلمانان، که شامل بافت ایران و عراق است، در چهارچوب مطرح‌شده معرفی و تجزیه و تحلیل خواهد شد. در پایان نیز درباره دستاوردها و نتایج تحقیق بحث و بررسی می‌شود.

۲. پیشینه

تحقیقات اندکی در خصوص ابعاد کاربردشناسی عبارات دینی انجام شده است که هر کدام از آن‌ها به‌نوعی از کاربرد غیرمستقیم یا کنش ثانویه این عبارات پرده برداشته‌اند. در این‌جا به‌طور کلی به سه دسته از این پژوهش‌ها اشاره خواهد شد: دسته اول، پژوهش‌های مربوط به کاربرد «ان‌شاءالله» در بافت اسلامی؛ دسته دوم، پژوهشی در خصوص اصطلاحات مسیحی؛ و دسته سوم پژوهش‌هایی که از چهارچوب نظریه کنش‌های گفتار به‌طور کلی برای مطالعه متون دینی استفاده کرده‌اند.

در دسته اول پژوهش‌ها به اصطلاح قرآنی «ان‌شاءالله» و کاربردهای آن در زندگی روزمره مسلمانان توجه ویژه‌ای شده است. یکی از این تحقیقات پژوهشی است که از سوی ایمن نزال (Nazal, ۲۰۰۵) انجام شده است. نزال در مقاله‌ای با عنوان «نقش‌های کاربردی

نقل آیات قرآن از سوی مسلمانان در ژانر شفاهی: مطالعه موردی ان‌شاءالله» به نقش کاربردی «ان‌شاءالله» پرداخته است. وی در این پژوهش دغدغه اصلی خود را پاسخ‌گویی به این پرسش قرار داده است که نقش‌های کاربردی استفاده از آیه قرآنی «ان‌شاءالله» چیست و بافت‌هایی که در آن مسلمانان از «ان‌شاءالله» استفاده می‌کنند کدام‌اند.

او ابتدا مفهوم غیرمستقیم‌گویی (indirectness) را به بحث می‌گذارد و رویکردش را گفتمان - محور توصیف و نظرها و دیدگاه‌های پل گرایس و جان سرل درباره مفهوم غیرمستقیم‌گویی را بررسی می‌کند.

نزال چندین موقعیت را معرفی و درباره آن‌ها به تفصیل بحث می‌کند. موقعیت اول، گفت‌وگویی میان زن و شوهری درباره سفری است که زن برای رفتن به آن اصرار دارد و مرد مخالف رفتن به این سفر است و با به‌کارگیری عبارت «ان‌شاءالله» سعی در اعلام امتناع از سفر و به‌نوعی سلب مسئولیت از خود دارد. موقعیت دیگر نیز مربوط به زن و شوهر عرب‌تباری است که درباره ماندن در امریکا یا رفتن به مصر با یک‌دیگر بحث می‌کنند. زن تمایل به ترک امریکا و رفتن به مصر دارد، اما نظر مرد متفاوت است. زن با به‌کار بردن «ان‌شاءالله» درصدد بالا بردن احتمال وقوع این مهاجرت است.

درنهایت، نزال نتیجه می‌گیرد که نقش‌های ارتباطی «ان‌شاءالله» با کاهش دادن تعهد نسبت به انجام کنشی در آینده آغاز می‌شود و تا پرهیز از تأثیرها و پیامدهای منفی کنش یک فرد در دیگران ادامه می‌یابد. مسلمانان با به‌کارگیری «ان‌شاءالله» می‌توانند خود را از بار مسئولیت فرمان‌ها یا اجتناب از اجرای پیشنهادها و یا لطمه زدن به وجهه مخاطبان خلاص کنند. این امر به‌ویژه هنگامی که کنششان پیامدهای نامطلوبی برای مخاطبان در پی دارد معنادارتر می‌شود.

پیش‌قدم و نوروز کرمانشاهی (۲۰۱۲, Pishghadam and Norouz-Kermanshahi) نیز در مقاله خود، که بسیار تحت تأثیر نزال (۲۰۰۵, Nazal) است، به کاربرد «ان‌شاءالله» در زبان فارسی می‌پردازند. آن‌ها با بررسی ۵۰ موقعیت، که شامل تعاملات روزمره، تبلیغات تلویزیونی، و هم‌چنین گفت‌وگوهای افراد در خیابان، مغازه، سوپرمارکت‌ها، و جشن‌ها می‌شود، اهدافی چند را برای کاربرد «ان‌شاءالله» ذکر می‌کنند که برخی موارد کاربرد آن با استفاده‌ای که جامعه عربی از این عبارت می‌کند هم‌خوانی دارد و برخی دیگر هم‌خوانی ندارد. نگارندگان هدف از به‌کارگیری «ان‌شاءالله» در زبان فارسی را شامل این موارد می‌دانند: قوت قلب دادن به مخاطب، دل سپردن به سرنوشت، ابراز هویت دینی، آرزو

کردن، نفرین کردن، ترغیب یک فرد به انجام یک کار، فرار کردن از پاسخ و به تأخیر انداختن آن. سپس موارد فوق را در قالب سه گروه اصلی دسته‌بندی می‌کنند. آن‌ها «قوت قلب دادن به مخاطب، دل سپردن به سرنوشت، و ابراز هویت دینی» را در قالب «مسلمان بودن و داشتن باورهای اسلامی» جای می‌دهند و آن را ناشی از اعتقاد مسلمان به قدرت خداوند در رقم زدن سرنوشت می‌دانند. در گروه دوم اهدافی هم‌چون «گریز از جواب یا تعویق زمان جواب دادن» در قالب غیرمستقیم‌گویی جای گرفته است. در این قالب گویندگان قصد انجام اقدامی را که به وجهه مخاطب لطمه بزند ندارند، به همین دلیل از این راه‌کار استفاده می‌کنند. در گروه سوم اهدافی هم‌چون «بیان آرزو، نفرین کردن، و ترغیب افراد به انجام یک کار» جای می‌گیرد که در ذیل عنوان «بیان احساس» درج می‌شود.

عبارت «إن شاء الله» از سوی مهاوش و جرادات (۲۰۱۵, Mehawesh and Jaradat) نیز بررسی شده است. آن‌ها با اشاره به تفاوت میان کاربرد بیانی و منظوری این عبارت قرآنی آن را در تضاد با اصول گرایس و به‌طور مشخص اصل کمیت دانسته‌اند. نگارندگان هم‌چنین کارکردی کنایی‌گونه برای «إن شاء الله» برشمرده‌اند که حذف آن از یک پاره‌گفتار معنای آن را تحت‌الشعاع خویش قرار می‌دهد.

در دسته دوم پژوهش‌ها، که در بافت غربی انجام شده‌اند، نیز پژوهش‌هایی این‌گونه در خصوص اصطلاحات دینی انجام شده است. برای نمونه، وردونیک و کاپیچ (Verdonik and Kačič, ۲۰۱۲) کاربرد عباراتی هم‌چون خدا، مریم مقدس، مسیح، شیطان، و مدونا (مریم) را مطالعه کرده‌اند. آن‌ها معتقدند واژگان دینی فوق‌الذکر، در خارج از متون دینی، بیش از آن‌که معانی مستقیم و اولیه‌شان مدنظر باشد معانی کاربردشناسانه دارند. به‌نظر آن‌ها یکی از اهداف به‌کارگیری این واژگان از سوی گوینده بیان احساس درونی است و فرد با به‌کارگیری آن یا حالت درونی خود را نشان می‌دهد یا هیجان خود را در لحظه صحبت کردن بیان می‌کند. برای نمونه‌ای از کاربرد مشابه در فارسی می‌توان «به پیغمبر من خسته‌ام» را ذکر کرد.

هم‌چنین، وردونیک و کاپیچ بیان احساس گوینده در قبال یک گزاره و یک وضعیت خاص را از دیگر اهداف این موضوع برمی‌شمارند. مثلاً، گفته می‌شود «خدا نکند گروه ما ببازد» در این جا گوینده نظر خود درباره‌ی یک شرایط و وضعیت خاص را بیان می‌کند. مطابق نظر وردونیک و کاپیچ بعضی مواقع کاربرد عبارات دینی می‌تواند هیچ معنایی نداشته باشد و صرفاً پرکننده‌ی شکافی در کلام قبل و بعد از خود باشد. همان‌طور که این عبارات می‌تواند نقشی استعاری را ایفا کنند؛ مثلاً «فلانی توی این علم خداست»؛ یعنی

می‌خواهند نهایت قدرت و تسلط را بر علم نشان دهند.

نهایتاً، نظریه کنش‌های گفتاری به‌دلیل سادگی و کاربردی بودنش در تحلیل متون مختلف به‌خصوص متون دینی کاربرد گسترده‌ای پیدا کرده است. ساجدی در مقاله «نظریه کنش گفتاری جان آستین و فهم زبان قرآن» به‌طور کلی به بررسی امکان استفاده از این نظریه در فهم بهتر زبان قرآن پرداخته است. در این مقاله او بر «مباحثی چون کنش‌های گفتاری گزاره‌های دینی، چندبعدی بودن گزاره‌های اخباری در دین، اهمیت ویژه بعد احساسی در گزاره‌های دینی، اشتباهات برخی از دین‌شناسان غربی در غفلت از بعد اخباری گزاره‌های دینی، و سرانجام واقع‌نمایی گزاره‌های اخباری و انشایی دینی» در چهارچوب نظریه کنش‌های گفتاری تأکید کرده است (ساجدی، ۱۳۸۱: ۱۲۲).

غیر از قرآن متون دینی دیگری هم‌چون برخی ادعیه نیز با این روش مطالعه شده‌اند. در این زمینه پهلوان‌نژاد و رجب‌زاده (۱۳۸۹) به مطالعه زیارت‌نامه امام رضا پرداخته‌اند. این پژوهش نشان می‌دهد که متن زیارت‌نامه به‌گونه‌ای است که دربرگیرنده احساسات عاطفی قوی است و ارادتمندی و قدردانی خواننده دعا را نشان می‌دهد. از این رو کنش گفتاری عاطفی بیش‌ترین کاربرد را دارد.

آخرین پژوهش مهم در این زمینه به تحلیل یکی از خطبه‌های نهج‌البلاغه پرداخته است. فضائی و نگارش، به کمک طبقه‌بندی سرل، کنش‌های گفتاری خطبه ۵۱ را مطالعه کرده و نشان داده‌اند که «امام علی (ع) در این خطبه برای تحریک و تشجیع لشکریانشان در جهت حمله به سپاهیان معاویه و پیروز شدن بر آنان ... کنش گفتاری اظهاری و ترغیبی را به میزان زیاد و کنش گفتاری عاطفی را به میزان کم‌تری به کار برده‌اند» (۱۳۹۰: ۸۲).

۳. چهارچوب نظری و روش: کنش‌های گفتاری

به‌لحاظ روش این پژوهش بر نظریه کنش‌های گفتاری (speech acts) مطرح در کاربردشناسی و فلسفه زبان مبتنی است. کنش‌های گفتاری گاه به کارگفت نیز ترجمه می‌شود. این نظریه مدعی است که هر پاره‌گفتاری که بیان می‌شود نقش‌های کنشی متعددی نیز با خود به همراه دارد. به‌عبارت دیگر، گویشوران زبان از طریق زبان کارها و کنش‌های مختلفی را انجام می‌دهند.

این اندیشه که ارتباطات زبانی درحقیقت نوعی کنش است قدمتی طولانی دارد.

افلاطون در رساله کراتیلوس خود، که در سال ۳۹۰ پیش از میلاد نوشته است، به این موضوع اشاره می‌کند. از نظر او گفتار نوعی کنش است و کلمات ابزارهایی اند که به واسطه آنها این کنش اتفاق می‌افتد. این نوع نگاه پیامدهایی مهم برای مطالعه زبان دارد.

کارل بولر (۱۸۷۹-۱۹۶۳)، روان‌شناس و زبان‌شناس آلمانی، با توجه به نظریه افلاطون الگویی را ارائه داد که در آن زبان به مثابه ابزار موسیقی، به نام ارغنون، در نظر گرفته شده است. در الگوی ارتباطی ارغنون همان‌گونه که یک ساز موسیقی می‌تواند به دست کسی نواخته شود و مخاطبی داشته باشد، زبان نیز ابزاری است که سه نقش مهم دارد: از سویی به گوینده برمی‌گردد و اطلاعاتی از او به دست می‌دهد، از سوی دیگر به مخاطب که نقش اقناعی دارد، و از سویی دیگر به جهان خارج و موضوعی که مدنظر است. نظریه بولر تأثیر زیادی در نوع نگاه ما به زبان در حال حاضر داشته است.

بعد از بولر افراد دیگری نیز به ارتباطات زبانی به مثابه کنش نگریسته‌اند. مهم‌ترین آنها جان آستین (John Austin)، فیلسوف انگلیسی‌تبار، است. آستین نظریه کنش‌های گفتاری را (۱۹۶۰-۱۹۱۱) در کتابی با عنوان چگونه کلمات کار انجام می‌دهند؟ ارائه کرده است (Austin, ۱۹۶۲). وی کنش‌های گفتاری را به سه دسته تقسیم می‌کند که عبارت‌اند از: کنش گفتاری بیانی، کنش گفتاری منظوری، و کنش گفتاری فرایبانی.

- کنش‌های گفتاری بیانی: در این شکل از کنش‌های گفتاری کلمات معنایی روشن و متعارف دارند. در واقع، همان معنای تحت‌اللفظی یا معنایی که فرهنگ لغت‌ها برای واژه‌ها ذکر کرده‌اند مدنظر قرار می‌گیرد. مثلاً، وقتی در پاسخ به پرسش «هوای تهران چطور است؟»، فردی بگوید «هوا سرد است» در واقع یک کنش گفتار بیانی را انجام داده است.

- کنش‌های گفتاری منظوری: در این نوع از کنش‌ها گوینده از بیان یک گفتار معنایی خاص را دنبال می‌کند. به عبارت دیگر، معنا وابسته به گوینده است. مثلاً، اگر کسی به همسرش می‌گوید «غذا مقداری بی‌نمک شده است» و منظورش درخواست از همسر برای آوردن نمکدان باشد، در این جا کنش گفتار منظوری را انجام داده است.

- کنش‌های گفتاری فرایبانی: این نوع از کنش‌های گفتاری که از آن به کنش‌های گفتاری تأثیری نیز نام برده می‌شود ناظر بر اثری است که کنش گفتار در دریافت‌کننده پیام یا همان مخاطب می‌گذارد؛ البته بازتاب آن را باید در واکنش مخاطب جست‌وجو کرد. شاید سخنی باعث خشم او شود یا آن‌که سبب شادمانی، خجالت، یا اندوه او گردد.

گام مهم دیگر در پیش‌برد نظریه کنش‌های گفتاری در مکتب فلسفی آکسفورد برداشته شد. فیلسوفان این مکتب تقسیم‌بندی آستین از کنش‌های گفتاری را توسعه دادند و اعتقاد داشتند که این تقسیم‌بندی ابهاماتی دارد. یکی از این افراد جان سرل بود که رده‌بندی جدیدی را ارائه کرد که شامل کنش‌های اعلامی، عاطفی، ترغیبی، تعهدی، و تصریحی می‌شود (Searle, ۱۹۶۹). چون این پژوهش مبتنی بر تقسیم‌بندی سرل است، انواع کنش‌های گفتاری طبق طبقه‌بندی سرل در این‌جا تشریح می‌شود.

- کنش گفتاری اعلامی (declarations): هدف از کنش‌های گفتاری اعلامی اعلام شرایط تازه‌ای برای مخاطبان از سوی گوینده است. بدین معنا که هم‌زمان با بیان آن شرایط انطباقی بین زبان و جهان خارج روی می‌دهد. مثلاً وقتی استاد یک درس اعلام می‌کند که «امروز کلاس تعطیل است» کلاس تعطیل خواهد شد؛ البته صرف بیان این جمله به منزله انجام کنش اعلامی نیست؛ بلکه شرایطی برای تحقق آن لازم است، از جمله این‌که گوینده صلاحیت بیان شرایط جدید را داشته باشد. در جمله فوق لازم است که فرد استاد آن درس باشد، در محیط دانشگاه باشد، و اجازه تعطیل کردن کلاس را داشته باشد تا کنش محقق شود.

- کنش عاطفی (expressives): توان این کنش بیان حالت روانی گوینده درباره شرایطی است که در محتوای گزاره بیان شده است. در این نوع کنش صدق و کذب گزاره بیان‌شده بدهی و مسلم فرض شده است. این نوع از کنش گفتارها در عذرخواهی، سرزنش، تبریک، تحسین، و تشکر دیده می‌شود. برای نمونه به جمله‌های ذیل توجه کنید: «به‌به چه مقاله جالبی نوشتید!» یا «سپاس‌گزارم از این‌که اجازه دادید از ماشینتان استفاده کنم».

- کنش ترغیبی (directives): هدف از این کنش بیان تقاضا، صدور دستور، ارائه پیشنهاد، و طرح پرسش است. نکته منظوری کنش ترغیبی بر این حقیقت استوار است که این نوع کنش تلاش گوینده در جهت ترغیب و واداشتن شنونده به انجام کارهاست. کریستال (Cristal, ۲۰۰۳) می‌گوید در کنش ترغیبی هدف گوینده واداشتن یا ترغیب مخاطب برای مبادرت ورزیدن به عمل یا اجتناب از انجام کاری است. نمونه این جملات عبارت‌اند از: «فردا مقاله را آماده کن» یا «یک لیوان آب برای‌ام بریز».

کنش‌های ترغیبی ممکن است در قالب امر، پرسش، خواهش، و غیره خود را نشان دهند. از نظر سرل گوینده در این کنش سعی در منطبق ساختن جهان خارج با وضعیت مطلوب خود از طریق مخاطب دارد.

- کنش تعهدی (commissives): در این نوع از کنش‌ها متکلم، البته با درجاتی متفاوت،

متعهد می‌شود که عملی را در آینده انجام دهد و در واقع تلاش در راستای منطبق کردن شرایط جهان خارج با کلمات بیان شده است. کنش‌های تعهدی و ترغیبی از این نظر که در هر دو مورد تلاش برای منطبق ساختن شرایط جهان خارج با کلام بیان شده است با هم یکی‌اند؛ اما وجه متمایز آن‌ها این است که در یکی از آن‌ها انجام‌دهنده گوینده و در دیگری شنونده است. این جملات از نوع تعهدی‌اند: «من فردا صبح جلوی دانشگاه می‌بینم»، «قول می‌دهم تا اول ماه بدهی‌ام را پرداخت کنم».

— کنش تصریحی / اظهاری (assertives/ representatives): در کنش‌های گفتاری تصریحی گوینده به‌نوعی خود را نسبت به صدق پاره‌گفتارهای خویش متعهد می‌داند. در این کنش گفتار فرد باور خویش درباره جهان خارج را بیان می‌کند و درستی گزاره‌ای را تصریح می‌کند. برای مثال می‌توان گزاره‌های زیر را ارائه کرد: «روز اول عید امسال در تبریز برف بارید» یا «فردا دوم خرداد است».

۴. مطالعه کنش‌های گفتاری صلوات

داده‌های زیر مجموعه‌ای از کاربرد صلوات در حوزه شفاهی و در جامعه فارسی‌زبان و عرب‌زبان است. این متون، در بخش کاربرد صلوات در جامعه فارسی‌زبان ایران، نتیجه مشارکت مستقیم نگارندگان در موقعیتی است که کاربرد صلوات با اهداف مکالمه‌ای خاص استفاده شده است. مطالب مربوط به کاربرد صلوات در میان عرب‌زبان‌ها (عراقی و سوری) متعلق به ساره مختارپور، دانشجوی عرب‌زبان مقطع کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات عرب دانشگاه قم، است. در این مقاله ابتدا کنش‌های گفتاری مرتبط با صلوات بر اساس تقسیمات ارائه‌شده از سوی سرل تقسیم‌بندی شده است، هر کدام از موقعیت‌ها تشریح می‌شود، و سپس درباره شکل تعامل گوینده و شنونده بحث می‌شود.

۱,۴ کنش‌های گفتاری ترغیبی صلوات

۱,۱,۴ موقعیت اول (جامعه ایرانی)

فردی روحانی مشغول موعظه کردن است. در همین حال صدای مخاطبان را می‌شنود که مشغول صحبت با یکدیگرند و به حرف‌هایش گوش نمی‌دهند. برای این‌که توجه مستمعان را به حرف‌های خود معطوف کند، خطاب به آن‌ها می‌گوید: «مثل این‌که عزیزان درددل‌های زیادی با هم دارند. حالا برای این‌که درددل‌های خود را به انتهای مجلس

بسپارند، یک صلوات بفرستند». حاضران با شنیدن این عبارت با صدای بلند صلوات می‌فرستند. بعد از آن سخنران مشغول بیان مطالبش می‌شود. مجدداً صدای حرف زدن حضار به گوشش می‌رسد. کمی ناراحت می‌شود و خطاب به جمع حاضر می‌گوید: «عزیزان! همین الان صلوات فرستادید».

در این موقعیت سخنران در ابتدا قصد دارد تا از مستمعان بخواهد که به صحبت‌های خود خاتمه و به حرف‌های او گوش دهند؛ اما برای آن‌که به وجهه آن‌ها لطمه نخورد، با بیان جمله «صلوات بفرستید» سعی در القای پیام خویش دارد. او در واقع از راه‌کار غیرمستقیم‌گویی استفاده می‌کند. در چنین وضعیتی طرح مستقیم درخواست برای سکوت می‌تواند به وجهه شنونده یا شنوندگان لطمه بزند. به همین دلیل، از راه‌کار غیرمستقیم‌گویی استفاده می‌شود. درحقیقت، یکی از مهم‌ترین کاربردهای غیرمستقیم‌گویی حفظ وجهه طرف مقابل است. در نتیجه، مفهوم غیرمستقیم‌گویی با رعایت ادب گره خورده است (Sifianou, ۱۹۹۲: ۱۱۴).

بعد از تولید پیام نوبت به مخاطبان می‌رسد. سرل (Searle, ۱۹۷۵: ۶۱) می‌گوید در کنش‌های گفتاری غیرمستقیم‌گوینده بیش از آن‌چه به‌واقع بیان می‌کند، با شنونده از طریق تکیه بر دانش‌های زمینه‌ای مشترک، که هم زبانی و هم غیرزبانی است، ارتباط برقرار می‌کند. این ارتباط از طریق عقلانیت عام و استنتاج از سوی شنونده ایجاد می‌شود. افراد برای درک چنین کنش گفتار غیرمستقیمی از دانش عمومی خود در خصوص کنش گفتارها و نیز فهمی کمک می‌گیرند که از اصول هم‌کاری مکالمه‌ای گرایس به‌ویژه ربط نشئت می‌گیرد (Searle, ۱۹۷۹: ۳۲).

مستمعان می‌دانند که سخنران بر اساس اصل ربط عمل می‌کند، اصلی که گرایس (Grice, ۱۹۷۵) وجود آن را برای هر ارتباط زبانی‌ای ضروری می‌داند. شنوندگان یا مستمعان در این ارتباط زبانی شروع به رمزگشایی از بعد منظوری صلوات فرستادن می‌کنند و، با توجه به ویژگی‌های بافتی، پیام منتقل‌شده از سوی گوینده را درک می‌کنند (Goldman, ۲۰۱۳).

وقتی که سخنران متوجه صحبت کردن دوباره شنوندگان می‌شود، با بیان این عبارت که «همین الان صلوات فرستادید» درصدد بیان این نکته است که به درخواستش درباره رعایت سکوت توجه نشده است. در واقع کنش تأثیری مطلوب مدنظر گوینده یا فرستنده پیام برقرار نشده است.

۲,۱,۴ موقعیت دوم (جامعه ایرانی)

در خیابانی شلوغ دو خودرو با هم برخورد می‌کنند. صاحب خودروی جلویی بیرون می‌آید و شروع به ناسزا گفتن به صاحب خودروی عقبی می‌کند. گروهی جمع می‌شوند تا ضمن میانجی‌گری دو طرف را از ادامه دادن به این مشاجره بازدارند. یکی از حضار می‌گوید: «چرا این قدر بگومگو می‌کنید. آقا! ماشین شما خسارت زیادی ندیده. مبلغی از این آقا بگیریید و مسئله را فیصله بدید. خوب نیست جلوی جمع این‌جوری به جون هم‌دیگه افتادید».

راننده‌ای که مقصر نیست می‌گوید: «سپر عقب ماشین شکسته و چراغ‌ها هم که باید تعویض بشن. حدوداً ۲۰۰ تومن واسم آب می‌خوره». راننده مقصر سعی می‌کند تا از این مبلغ بکاهد. یک نفر در این وسط میانجی‌گری می‌کند و می‌گوید: «با ۱۵۰ رضایت بدید و صلوات بفرستید». راننده‌ای که مقصر نیست می‌گوید: «بیا این هم صلوات. اللهم صلی علی محمد و آل محمد». سپس بحث درباره خسارت را ادامه می‌دهد.

در این موقعیت ردوبدل شدن عبارات زشت میان دو طرف حادثه یک کنش نامطلوب اجتماعی به شمار می‌رود و افراد بعد از تعیین مبلغ از دو طرف می‌خواهند که به این اقدام خود خاتمه دهند. طرفی که مقصر نیست بخش‌کنش گفتاری بیانی را مدنظر قرار می‌دهد؛ زیرا با بعد منظوری این جمله موافق نیست. به همین دلیل صلوات را می‌فرستد و بحثش را ادامه می‌دهد. در واقع، اجابت نکردن خواسته فردی که دعوت‌کننده به صلوات است، به مثابه اهانت به پیامبر و خاندان ایشان است. به همین دلیل، راننده مذکور صلوات را می‌فرستد تا صرفاً کنش گفتاری بیانی را مدنظر قرار دهد نه بعد منظوری را.

۳,۱,۴ موقعیت سوم (جامعه ایرانی)

این موقعیت مربوط به نشستی دوستانه است. افرادی دور هم حلقه زده‌اند و یکی از آن‌ها راجع به شخصی دیگر صحبت می‌کند که در آن جمع حضور ندارد. به عیوب آن فرد اشاره و او را شخصی با رفتارهای غیرمسئولانه توصیف می‌کند. وقتی صحبت به این‌جا می‌رسد یکی از حضار ناراحت می‌شود. سعی می‌کند تا به هر شیوه‌ای که شده به سخنانش پایان دهد. به همین منظور، به دوستان خود می‌گوید که «بچه‌ها یک صلوات بفرستید».

در این موقعیت، کسی که خواستار «صلوات فرستادن» است، از دو شیوه برای حفظ احترام بهره می‌گیرد. ابتدا این‌که فرد را مستقیماً خطاب قرار نمی‌دهد تا مبادا در همین حد هم احساس بدی به او دست دهد و در گام بعد از ذکر صلوات استفاده می‌کند تا به صورت غیرمستقیم گوینده را متوجه نارضایتی از حرف‌هایش بکند.

۴,۱,۴ موقعیت چهارم (جامعه عربی)

بانویی به خانه دوستش می‌رود و متوجه می‌شود که فرزند میزبان، که هم‌سن و سال فرزند خودش است، بچه‌ای آرام و حرف‌گوش‌کن است. خطاب به میزبان او را فردی خوش‌شانس می‌داند. میزبان می‌گوید: «صل علی النبی (صلوات بفرست)». در جوامع عرب‌زبان اعتقاد به وجود چشم‌زخم امری شایع است. آن‌ها معتقدند که اگر کسی از فرزندشان یا هر مایملک دیگرشان ستایش کند باعث می‌شود که آن فرزند رفتارش تغییر کند و یا مایملکشان از بین برود. به همین دلیل و برای آن‌که به او بفهمانند که این کار باعث چشم‌خوردن آن فرزند یا مایملک می‌شود می‌گویند «صلوات بفرست». صلوات فرستادن در ظاهر به معنای گفتن عبارت صلوات است، اما در بعد منظوری‌اش به معنای آن است که فرد به تعریف کردن‌ها و ستودن‌هایش خاتمه دهد. استفاده از صلوات برای بیان محترمانه درخواست پایان دادن به تعریف‌ها و ستایش‌هاست.

۵,۱,۴ موقعیت پنجم (جامعه عربی)

دو نفر در اداره‌ای هم‌کارند. قطعه‌ای کامپیوتری گم می‌شود. هر کدام از افراد دیگری را متهم می‌کند. رئیس متوجه بلند شدن صدای کارمندان می‌شود، به سمت آن‌ها می‌رود، و خطاب به آن‌ها می‌گوید: «یا شباب! شکو علیکم. صلوات علی النبی» (بچه‌ها! چه‌تون شده. صلوات بفرستین).

در این جا گوینده برای این‌که از دو طرف دعوا بخواند تا به این کار خود خاتمه دهند می‌گوید صلوات بفرستید. اگر گوینده از فعل نهی مستقیم استفاده می‌کرد ممکن بود باعث دل‌خوری طرفین شود. برای همین، به‌منظور احترام به طرفین از عبارت «صلوات بفرستید» استفاده کرد. درواقع به شکلی محترمانه از آن‌ها خواست تا مکالمه خود را ادامه ندهند.

۲,۴ کنش گفتاری تعهدی

۱,۲,۴ موقعیت اول (جامعه ایرانی)

در بنگاه معاملات مسکن، مدیر بنگاه مشغول صحبت کردن با خریدار و مشتری است که هر کدام شروطی را برای انجام معامله بیان می‌کنند. مدیر بنگاه تلاش می‌کند با ارائه پیشنهادهایی رضایت هر دو طرف را جلب کند. بعد از ساعتی بحث و گفت‌وگو درباره شروط معامله دو طرف راضی می‌شوند. مدیر بنگاه خطاب به خریدار و فروشنده می‌گوید

که اگر مشکلی نیست صلوات بفرستند تا مبیعه‌نامه نوشته شود. هر دو طرف صلوات می‌فرستند. هنگام نوشتن مبیعه‌نامه فروشنده شرط دیگری را مطرح می‌کند و با مطالب مندرج در آن مخالفت می‌کند. در این‌جا مدیر بنگاه می‌گوید: «مگر صلوات نفرستادی؟» کنش گفتار منظوری که در صلوات فرستادن مشتری و خریدار وجود دارد کنشی تعهدی است. یعنی دو طرف متعهد می‌شوند که این شروط را پذیرفته و نسبت به اجرای آن مبادرت ورزند. حال اگر هر کدام از طرفین به دلیلی راه مخالفت با مفاد مبیعه‌نامه را پیش گیرد، مدیر بنگاه آن‌ها را به یاد بار تعهدی صلوات می‌اندازد.

۲,۲,۴ موقعیت دوم (جامعه ایرانی)

جمعی برای خواستگاری به منزل خانواده دختری رفته‌اند. بعد از احوال‌پرسی و گپ‌وگفت‌های کلیشه‌ای نوبت به تعیین مهریه می‌رسد. خانواده دختر شرایطی سخت را مطرح می‌کنند. خانواده پسر سعی در مقاومت دارند. در این میان شماری از افراد، که نقش میانجی را دارند، سعی می‌کنند اختلاف‌ها بر سر مهریه را به حداقل برسانند. درنهایت، میانجی‌گران پیش‌نهادی را مطرح می‌کنند که تا حدی رضایت دو طرف را جلب می‌کند. سپس، یکی از حضار خطاب به خانواده دختر و پسر می‌گوید: «اگر مشکلی نیست صلوات بفرستید». افراد صلوات می‌فرستند. صلواتی که در این‌جا فرستاده می‌شود نوعی کنش گفتاری منظوری تعهدی به شمار می‌رود. ضمن آن‌که تقدس این عبارت افراد را از زیر پا گذاشتن تعهداتشان باز می‌دارد.

۳,۴ کنش گفتاری عاطفی

۱,۳,۴ موقعیت اول (جامعه عربی)

فردی مشغول رد شدن از خیابان است که ناگهان کودکی زیبا را می‌بیند. فرد با دیدن چهره کودک عبارت صلوات را به زبان می‌آورد. در چنین موقعیتی فرد برای بیان اعجاب فراوان خود از این زیبایی صلوات می‌فرستد تا به این ترتیب، به شکل غیرمستقیم، به تمجید از این زیبایی پردازد.

شاید بتوان در تحلیل چنین موقعیت‌هایی گفت که وقتی فرد کلمات عادی را فاقد گنجایش لازم برای القای احساس خویش می‌داند، بی‌اختیار سعی می‌کند با خروج از اصول گرایس اوج اعجاب و شگفتی خود از موقعیت را بیان کند. به دیگر سخن، در مواردی

عدول از معیار گرایش برای بیان شدت احساس به کار می‌رود.

۲,۳,۴ موقعیت دوم (جامعه ایرانی)

افرادی مشغول دیدن مسابقهٔ وزنه‌برداری‌اند. وزنه‌بردار ایرانی روی سکو می‌رود و می‌خواهد وزنه‌ای سنگین را بلند کند. حضار شدیداً موفقیت وزنه‌بردار تیم ملی‌شان را انتظار می‌کشند. وقتی وزنه‌بردار وزنه را بلند می‌کند، فریاد صلواتشان بلند می‌شود. خوشحالی و فریاد شدیدی که بینندگان دارند نشان از خوشحالی نسبت به عملکرد وزنه‌بردار محبوبشان دارد. آن‌ها با این صلوات به تمجید از عملکرد وی می‌پردازند. در این موقعیت نیز افراد برای بیان اوج احساس خود از صلوات استفاده می‌کنند. در این موقعیت نیز عدول از اصل کیفیت بیانگر احساسات و عواطف است.

۳,۳,۴ موقعیت سوم (جامعه ایرانی)

روحانی‌ای وارد مسجد می‌شود. مردم برای آن‌که به او خوشامد بگویند، بی‌اختیار با دیدنش صلوات می‌فرستند. در این موقعیت افراد علاوه بر این‌که در پی خوشامدگویی به آن عالم دین هستند، در پی اعلام این نکته نیز هستند که او را، از نظر فکری، وابسته به خاندان پیامبر می‌دانند. درواقع، هدف از ذکر صلوات محدود به خوشامدگویی نیست؛ بلکه بیان هویت فکری فرد واردشده نیز است.

۴,۴ کنش گفتاری اعلامی

۱,۴,۴ موقعیت اول (جامعه ایرانی)

جلسه‌ای در دانشگاه قم و با حضور معاون آموزشی دانشگاه برگزار می‌شود. بحث دربارهٔ تصمیمی حیاتی برای اساتید است. معاون آموزشی پیش‌نهادی را دربارهٔ موضوع بیان می‌کند و ذکر می‌کند که دوستان اگر مشکلی ندارند صلواتی بفرستند.

حضار با پیش‌نهاد ارائه‌شده موافق نیستند و کسی صلوات نمی‌فرستد. چنین برمی‌آید که معاون آموزشی درصدد اجماع‌سازی است و می‌خواهد تا برای آن‌که نظرهای مختلفی در این زمینه بیان نشود و نگاه کلی، در میان همه‌های فردی گم نشود، از اساتید می‌خواهد تا نظر خود را با صلوات بیان دارند.

۵. نتیجه‌گیری

به‌طور خلاصه می‌توان گفت که استفاده از صلوات در درجه اول نشان‌دهنده هویت شیعی - اسلامی افراد است و از دل‌بستگی آنان به پیامبر و خاندان او نشان دارد، اما مسئله اصلی این پژوهش آن بود که دریابد در چه موقعیت‌هایی از صلوات استفاده می‌شود و چه منظورهای کاربردشناختی‌ای در پس استفاده از صلوات وجود دارد. موقعیت‌های مختلفی که در ایران و برخی کشورهای عرب‌زبان بررسی شد نشان داد که کارکردهای کاربردشناختی صلوات را می‌توان با کمک نظریه کنش‌های گفتاری به‌خوبی تشریح کرد. این مطالعه نشان داد که صلوات کارکردهای ترغیبی، عاطفی، تعهدی، و اعلامی دارد.

فارسی‌زبانان و عرب‌زبانان، هنگامی که صلوات را به‌مثابه کنش گفتار منظوری ترغیبی به کار می‌برند، در پی حفظ وجهه طرف مقابل‌اند و نمی‌خواهند مرتکب کاری شوند که به وجهه طرف مقابل با درخواست انجام دادن یک کار لطمه وارد شود. از سوی دیگر، ذکر صلوات در موقعیت‌های فوق‌الذکر می‌تواند راه‌کاری برای اعلام نامطلوب بودن وضعیت و ضرورت تغییر آن باشد. به دیگر سخن، فرد می‌کوشد تا با ذکر صلوات، ضمن قطع کردن یک حالت، شرایط و وضعیت جدیدی را حکم‌فرما کند.

وقتی صلوات به‌منزله یک کنش گفتار منظوری عاطفی به کار می‌رود، گوینده می‌کوشد تا به‌نوعی شدت احساس خود را نشان دهد. به‌عبارت دیگر، اگر فرد از عبارات‌های معمول استفاده کند نمی‌تواند اوج احساس خود را نسبت به یک وضعیت نشان دهد. به همین دلیل، صلوات را به کار می‌برد تا به هدف خود در این زمینه جامه عمل بپوشاند. درواقع، بی‌ربط بودن بعد بیانی صلوات و بعد منظوری آن در چنین بافتی می‌تواند با خود پیامی را با این مضمون داشته باشد که گوینده، با آن تناژ صدای بالا، درصدد ابراز تعجب یا خرسندی فراوان از یک موقعیت است.

هنگامی که از صلوات به‌مثابه کنش گفتار منظوری تعهدی استفاده می‌شود چنین برداشت می‌شود که افراد درصدد تقدس بخشیدن به قول و وعده‌ای هستند که از هم‌دیگر می‌گیرند. به عبارت بهتر، با این تقدس‌بخشی، از راه صلوات، فرد خود را نسبت به وعده‌ای که داده است متعهدتر می‌داند.

هدف از صلوات به‌مثابه کنش گفتار منظوری اعلامی احتمالاً تولید اجماع است. به‌عبارت دیگر، اگر افراد هر کدام بخواهند به شکلی نظر خود را با عبارات‌های متفاوت بیان کنند نوعی ناهماهنگی در روند انتقال پیام از سوی گویندگان به‌وجود می‌آید؛ اما وقتی که

تعدادی از افراد با یکدیگر، در موقعیت اعلامی، صلوات می‌فرستند، یعنی اجماع درباره آن صورت گرفته است.

از دیگر محورهای مورد توجه در نقش کاربردی صلوات می‌توان به بیان هویت اسلامی و شیعی افراد اشاره کرد.

تا جایی که نویسندگان این مقاله اطلاع دارند ان‌شاءالله و صلوات بر پیامبر و خاندان او فقط دو مورد از اصطلاحات دینی و قرآنی‌اند که مطالعه شدند. با توجه به کثرت اصطلاحاتی از این دست از جمله الله‌اکبر، لا اله الا الله، و سبحان‌الله ضرورت دارد که مطالعات جدی‌تری با گستره پیکره‌ای بیش‌تر و احتمالاً چهارچوب‌ها و روش‌های مطالعاتی متنوع‌تر بررسی شوند تا مشخص شود حضور دین و نصوص قرآنی در بطن اجتماع مسلمانان چگونه است و چه کارکردهایی دارد.

منابع

- پهلوان‌نژاد، محمدرضا و مهدی رجب‌زاده (۱۳۸۹). «تحلیل متن‌شناسی زیارت‌نامه حضرت امام رضا (ع) بر پایه نظریه کنش گفتار»، در *مطالعات اسلامی: فلسفه و کلام*، ش ۸۵ / ۲
- ساجدی، ابوالفضل (۱۳۸۱). «نظریه کنش گفتاری جان آستین و فهم زبان قرآن»، در *قیاسات*، ش ۲۵.
- فضائلی، مریم و محمد نگارش (۱۳۹۰). «تحلیل خطبه پنجاه‌ویکم نهج‌البلاغه بر اساس طبقه‌بندی سرل از کنش‌های گفتار»، در *علوم قرآن و حدیث*، ش ۸۶
- یول، جورج (۱۳۹۱). *کاربردشناسی زبان*، ترجمه محمد عموزاده جهرمی و منوچهر توانگر، تهران: سمت.

- Austin, L. J. (۱۹۶۲). *How to do Things with Words*, Oxford: Clarendon.
- Crystal, D. (۲۰۰۳). *A Dictionary of Linguistics & Phonetics*, Oxford: Blackwell.
- Goldman, K. L. (۲۰۱۳). "A Walk in Our Shoes: A Discussion of Relevance and Communication", In *Teacher Prep, Universal Journal of Educational Research*, ۱(۲).
- Grice, P. (۱۹۷۵). "Logic and Conversation", In Peter Cole and J. Morgan (eds.), *Syntax and Semantics: Speech Acts*, Vol. ۳, New York: Academic Press.
- Mehawesh, M. I. and A. A. Jaradat (۲۰۱۵). "Inshallah: Extensive Flouting of Grice's Maxim of Quality", in *Asian Social Science*, Vol. ۱۱, No. ۴.
- Nazal, A. (۲۰۰۵). "The Pragmatic Functions of the Recitation of Qur'anic Verses by Muslims in their Oral Genre: The Case of Insha'Allah, 'God's Willing'", in *Pragmatics*, Vol. ۱۵, No ۲ & ۳.
- Pishghadam, R. and P. Norouz Kermanshahi (۲۰۱۲). "Insha' Allah (God's Willing) and Its Functions in Persian", in *CS Canada: Studies in Literature and Language*, Vol. ۴, No. ۱.
- Searle, J. (۱۹۶۹). *Corpus, Concordance, Collocations*, Oxford: Oxford University Press.

- Searle, J. (۱۹۷۵). *A Taxonomy of Illocutionary Acts*, In Gunderson, K. (ed.), *Language, Mind, and Knowledge*, Minneapolis Studies in the Philosophy of Science, Vol. ۷, University of Minneapolis Press.
- Searle, J. (۱۹۷۹). *Expression and Meaning: Studies in the Theory of Speech Acts*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Searle, J. and P. Simpson (۱۹۶۹). *Speech Acts: an Essay in the Philosophy of Language*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Sifianou, M. (۱۹۹۲). *Politeness Phenomena in England and Greece: A Cross-cultural Perspective*, Oxford: Oxford University Press.
- Verdonik, D. and Z. Kačič (۲۰۱۲). "Pragmatic Functions of Christian Expressions in Spoken Discourse", in *Linguistica*, Vol. ۵, No. ۱.